



اصغر یرزی

درباره کتاب کرمی که فصحا در میدان فسیح آن فرس رانده اند، و در بی کرانگی آن از تک فرو مانده اند، هیچ ادعای دل ناپسندی نمی توان کرد. هیچ کتابی این مقدار گوهر عالی فقه و اصول و کلام و فلسفه و تاریخ و اخلاق و ادب و عشق و عرفان و هنر ندارد. و توشیح و ترتیل، و رزین و طنین، و لحن و موسیقی آن بحر هنر - که بخشی از آنها را استادان مقام شناس عرضه کرده اند - معجونی از اعجاز و عشق و برق تجلی الهی است که دست کوتاه هر خاری به بلندای قامت آن نمی رسد. ما پنجره چشم امید خود را چنان گشوده ایم که حتی تیغ مرگ نیز دست کوتاه دل ما را از دامن بلند و معرفت ریز آن محبوب بی همتا جدا نکند، و در خانه برزخ نیز در آستانه آسمانیش آسوده باشیم، و امیدواریم که آن ساقی ازل بر جگر نشنه دلان شراب حدیث خویش را خود برافشاند. به هر حال تشنگی و تلاش ناچیز از بنده ناتوان و باران توفیق و عنایت از خداوند قادر عالمیان:

والحمد لله الذی خلق السموات و الارض و جعل الظلمات و النور (انعام، ۱/۶)

و اینک ای دوست! انزل الله علیک الكتاب و الحکمة و علمک ما لم تکن تعلم و کان فضل الله

علیک عظیماً (نساء، ۱۱۳/۴)

قرآن پرتو حکمت و فضل یزدان و آینه آسمانی اسرار نهان است و انسان قلم خود را در برابر امواج بلاغت آن و طوفان فصاحت آن ناتوان می یابد و به تخته تسلیم پناه می برد. نگین ناب معنایش در انگشتی دلها می نشیند، و دل ها را در میان طره گره گیرش به زنجیر آسایش می کشد. مهر منور لایزال الهی و عنایت مستدامش در حق بندگان خود این بود که با نزول قرآن، آنان را از اسفل به اعلی کشاند و بر بیان و بنای آنان نیز نیرو بخشد و در وادی حیرت حیران گرداند. به راستی امواج دریای بلاغت و عظمت و بیکرانگی قرآن - که قرن ها میدان فسیح فصاحت فصحا بوده - ادعای مدعیان را در هم شکنند.

شماره ۲۹ و ۵۰ پنجاه

۷۸۸۸

۲۳۳

ترجمه قرآن و نکات نحوی آن

اما در این ترجمه حدود دو درصد نکات تفسیری به کار رفته که خواننده را در درک و دریافت معنی کمک کند، ولی هر چه بوده داخل کر و شمه آمده تا جانب ترجمه در امان ماند. قرآن کریم که سرشار از رموز تفکر است. آدمیان را نیز به تأمل می خواند اما در محتوای وحیانی آن به قدری ظرایف نهفته است که ترجمه کامل آن را ناممکن می گرداند. و در توضیح نواذر نحوی هم، از قاعده خاصی پیروی نکرده ام. بلکه برخی نکات نحوی را که در حوصله صفحه بوده، یادآور شده ام. نقش بعضی از کلمات کتاب کریم معرکه آرای نحویان است. ارائه آنها را نیز ضروری نشمرده ام. در این گونه موارد، نظر رایج و تقریب به ذهن را درج کرده ام.

معروف است که می گویند ترجمه به دلبری همانند است که اگر زیبا باشد با وفا نباشد و اگر باوفا باشد، زیبا نباشد. آیا به راستی می توان دلبری برگزید که در عین زیبایی وفادار نیز باشد؟ به هر حال این قلم هم ناتوانی خویش را در انعکاس معانی قرآن ارائه داده است. بدون تردید در آینده دلبرانی زیباتر و باوفاتری در باغ ترجمه و سخن گستری پیدا خواهند شد؛ ولی باید اذعان کرد که عمق عمیق مصحف شریف در کوزه کوچک هیچ چشمی نمی گنجد، و با وجود این که زبان شیرین و توانای فارسی بهترین هم دم جانی زبان عربی است، باز اعجاز کریم از غیرتمندی، عرصه هم سانی را برای دیگران تنگ می کند و خود را در ستیغ رفیع بلاغت و فصاحت می نشاند و هر جا که قدم مترجمی به حریم کعبه اعجازش نزدیک می شود، برق غیرتش آن را به وادی حیرت می کشاند.

اینک دست استعانت به شوق اجابت به جانب فرزندگان قرآن پژوه دراز کرده ام که از سر اخلاص خطاهای مخلص را خاطر نشان کنند. و از باب فضل امید تفضل دارم که نگارنده را رهین احسان های فضیلت خویش سازند و بر این مشتاق که سرمایه ای جز اخلاص و اشتیاق ندارد، در ساحل خوش نسیم قرآن به دور از غبار روی و ریا به ارشاد پردازند. و از صاحب مصحف شریف هم به دعا می طلبم که از اقیانوس زخار فیضش، قطره ای بر صفحات غبار آگین این وجیزه برفشانند و خطوط کم رنگ آن را در آینه چشم عشاق، درخشان به جلوه درآرد، و از صفای صدق رسول آن مهبط نزول نیز انتظار اغماض دارم.

به هر حال قرآن کریم کلام خداوند متعال و از نظر لفظ و معنی نامتناهی، و کلام بشر محدود و عقول آدمی از درک و دریافت اعجاز، عاجز است. بنابراین چشم امید به کرم الهی دارم که این شبه ترجمه در آستان بارگاهش بوی پذیرش بیند و خطوط ناقابلش مهر قبول یابد.

ویراستاری علمی این اثر به عهده قرآن پژوه بلند پایه، برادر گران مایه جناب ودودبرزی بوده که از آغاز مهر ماه هفتاد و هشت تا پایان همان سال به ویرایش پرداختند و در مراحل اصلاح خود

نکات محققانه و علمی و سودمند خاطر نشان کردند، و در سایه امعان نظر و دقت کم نظیر ایشان بسیاری از عیوب کار کاهش یافت و به این وسیله منت نهادند و حق برادری خویش را کمال بخشیدند.

بنده در مقام تقدیر گوهرهای سپاسم را به آن ادیب فرزانه نثار می کنم و توفیقات روزافزونش را در اعتلای فرهنگ اسلام عزیز و قرآن کریم مسألت دارم.

برخی از دوستان خیراندیش و شایسته ام حقی لایق بر چاپ این اثر دارند که مجتانه بر اشتیاق مترجم فزونی بخشیدند و در مراحل گوناگون تائینها و چاپ از یآوری دریغ نورزیدند، تا این که این ترجمه در سایه مساعدت آنان جامه فاخر طبع پوشید. آن دوستان دانشور من در وادی های پر پیچ و خم تکاپو، در پرتو دلنواز نور مبین رنج راه را به جان خریدند و تا سر منزل مقصود گوهر شکیبایی را از دست نهادند و مترجم را تا سامان پذیرفتن کار همراهی کردند. امیدوارم خداوند گوهرهای عزت دنیا و آخرتشان را در کنار دریای معرفت قرآن حکیم فزونی بخشد و سایه مهرش را بر سرشان مستدام بدارد.

این تحفه کوچک ترجمه خود را به روح بزرگ پدرم تقدیم می کنم که سی سال پیش با اشارت های او به خواندن قرآن کریم پرداختم. آرزوی دیرین آن مرحوم این بود که بنده با اشتیاق فراوان با قرآن انس بگیرم. اینک در برابر آن پدر عزیز سر تعظیم فرود می آورم و محصول کار هفت ساله خود را که هر روز حدود دوازده ساعت به آن پرداخته ام و توفیق خدمتش داشته ام، به محضرش نثار می کنم. امیدوارم موجب روشنی شمع مزار و مایه شادی روحش باشد.